



# وضعیت نظامی - سیاسی کنونی سوریه

امین پرتو\*

## اشاره:

به‌رغم تداوم آتش‌بس اعلام شده در سوریه، جنگ داخلی با شدتی کمتر از گذشته اما همچنان با تحولات برق‌آسا و عمده نظامی ادامه دارد. در شرایطی که مذاکرات میان دولت اسد و گروه‌های مخالف او نتوانسته قدمی به پیش رود، جنگ فرسایشی همچنان اصلی‌ترین عرصه برای حل شدن بحران سوریه باقی مانده است. پس از پیروزی‌های گسترده نیروهای هوادار دولت در سه ماهه اول ۲۰۱۶، مخالفان به ضدحملات گسترده‌ای علیه نیروهای دولتی در حلب دست زدند. داعش هم که شکست‌های متعددی از دولت و ارتش آزاد متحمل شده بود، با ضدحملاتی تعجب‌برانگیز در شمال حلب و شرق حمص نشان داد که به راحتی از میدان به در نمی‌رود. در این میان درگیری داخلی میان مخالفان به اوج وخامت رسید و تلفات خونباری را موجب شد. کردهای سوریه نیز علاوه بر درگیری با ارتش آزاد، با نیروهای دولتی سوریه درگیر شدند. روسیه اعلام کرد باز هم از حضور نظامی خود در سوریه کاسته است؛ انتقال گسترده تسلیحات ساخت اروپای شرقی برای مخالفان از طریق ترکیه ادامه یافت؛ ترکیه به سبب حملات پرتلفات داعش علیه شهرهای مرزی خود، وارد رویارویی نظامی مستقیم با این گروه در شمال سوریه شد و البته ایالات متحده ضمن تداوم حمایت از مخالفان، با برقراری منطقه امن در سوریه مخالفت کرد و تداوم جنگ داخلی سوریه به عنوان وضعیتی که چندان هم برای آمریکا نامطلوب نیست را به نظاره نشسته است.

## مقدمه

همچون هر جنگ نامتقارن دیگری، پیروزی نظامی در جنگ داخلی سوریه برای دولت اسد دور از انتظار خواهد بود. نیروی انسانی ارتش سوریه دچار نقصانی اساسی شده است. به‌رغم کوشش برای شکل دادن به واحدهای «دفاع ملی» یا تشکیل نیروهایی مانند «حزب الله سوریه»، نیروی سوری اندکی برای اسد باقی مانده است. با وجود حفظ انسجام در نیروی هوایی و دریایی، نیروی زمینی سوریه

با ضعف نیروی انسانی مواجه است: تعداد زیادی از نیروهای نخبه آن کشته یا متواری شده‌اند؛ پیوستن به مخالفان هم به صورت گسترده به خصوص در مورد نیروهای وظیفه رخ داده است. سربازگیری کارآمد نیست زیرا مناطق تحت کنترل دولت کوچک شده است، بوروکراسی نظامی و توان اجبار برای به خدمت فراخواندن مشمولان از هم پاشیده و نیز اشتیاقی برای جنگ - جز برای کسانی که علائق اعتقادی یا سیاسی به نظام بعث دارند - وجود ندارد. کمک‌های انسانی ایران ارزشمند بوده است؛ یک لشکر از رزمندگان افغانی که تعدادشان هفت هزار تا ده هزار تن برآورد می‌شود؛ تپیی از شیعیان پاکستانی



که تا سه هزار نفر برآورد شده‌اند؛ نیروهای عراقی، فلسطینی و البته حزب الله لبنان که گمان می‌رود مجموعاً ده هزار تن باشند. علاوه بر اینها نیروهای ایرانی، چه به شکل مستشار (در قالب فرماندهان دسته‌های رزمنده افغانی، پاکستانی یا عراقی) و چه به شکل مستقیم به عنوان نیروی رزمنده در میدان حضور دارند.

موشک‌های ضدتانک توسط مخالفان، نیروهای زرهی، حمل و نقل نیرو و مهمات، پست‌های دیده‌بانی و حتی دسته‌های پیاده دولتی را دچار مشکلات جدی کرده است. مخالفان هنوز توان ضدهوایی ناچیزی دارند.

در مقابل قدرت آتش خمپاره و راکت اندازهای خود را افزایش داده‌اند؛ کاربرد تانک و نفربر زرهی توسط آنان چشمگیرتر شده است؛ با استفاده از هواپیماهای بدون سرنشین ارزان قیمت چینی (هر فروند تنها سیصد دلار!) به دقت تحولات میدان نبرد را زیر نظر می‌گیرند و البته روش‌های معمول چریکی، تله‌های انفجاری، حملات انتحاری، جنگ تونل‌ها و کمین در مناطق دور از انتظار را اجرا می‌کنند. آنان همچنان بیشتر از نیروهای اسد تلفات می‌دهند اما این در جنگ‌هایی با ماهیت مشابه واقعی‌تری تکرار شده است: در ویتنام و افغانستان هم آمریکا و شوروی، تلفات کمتری از ویت‌کنگ‌ها و مجاهدین دادند و در تقریباً همگی نبردهای تاکتیکی پیروز بودند، اما در برآیند نهایی دچار بن‌بست نظامی و ناتوانی از ادامه جنگ شدند. مخالفان به ادامه حمایت از

سوی حامیان خارجی خود مستظهر هستند؛ یعنی اینکه جریان سلاح‌های پیشرفته ادامه خواهد یافت و دست آنان برای ادامه جنگ بسته نخواهد بود. صحیح است که جنگ ادامه سیاست به شیوه‌های دیگر است، اما به نظر می‌آید در خصوص سوریه قرار است سیاست، در شکل مذاکره، ادامه جنگ به صورتی دیگر باشد. این چیزی است که حکومت سوریه و ایران نمی‌توانند موافق آن باشند؛ آنان قصد ندارند که وقتی در میدان جنگ نباخته‌اند، شکست را در میدان سیاست بپذیرند.

در ویتنام و افغانستان هم آمریکا و شوروی، تلفات کمتری از ویت‌کنگ‌ها و مجاهدین دادند و در تقریباً همگی نبردهای تاکتیکی پیروز بودند، اما در برآیند نهایی دچار بن‌بست نظامی و ناتوانی از ادامه جنگ شدند.

گفته می‌شود تا هفت هزار نیروی ایرانی در سوریه هستند. نیروهایی از سپاه و بسیج که داوطلب رزم در سوریه شده‌اند و البته از مدتی پیش نیروهای ارتش. مطابق با اظهار نظر یک مقام نظامی ایرانی تا کنون قریب به ۱۲۰۰ نیروی نظامی ایرانی در سوریه به شهادت رسیده‌اند. با این همه، مشکل نیروی انسانی لاینحل باقی مانده است: مناطقی از مخالفان بازپس گرفته می‌شود اما مخالفان در جبهه‌ای جدید دست به ضدحمله غافلگیرانه می‌زنند. آنچه در این ضدحمله‌ها رخ می‌دهد هم تلفات انسانی برای نیروهای هوادار اسد است و هم دستیابی مخالفان به نواحی سوق الجیشی؛ به دست آوردن اسلحه و مهمات غنیمتی و البته پیروزی تبلیغاتی، تقویت روحیه آنان و تضعیف نیروهای دولتی. با آنکه برتری آتش با نیروهای دولتی است اما مخالفان هم از هر وسیله‌ای برای ضربه زدن به آنها استفاده می‌کنند. کاربرد گسترده

## تحولات میدانی و نظامی

جنگ داخلی سوریه عرصه ناپایدار برتری نظامی برای هر یک از طرفین است؛ به مجرد دستیابی به پیروزی برای یک طرف در یک جبهه، در جبهه دیگر شکست رخ می‌نماید. نیروهای اسد که در دو ماه قبل از ماه جاری در حلب و حمص به پیروزی‌های نمایانی دست یافته بودند، صدمات نظامی متعددی - هر چند بیشتر از نظر تبلیغاتی - متحمل شدند. پس از سقوط العیس در جنوب غرب حلب و ناتوانی ارتش اسد در آزادی آن، مخالفان (اتحاد جیش الفتح متشکل از جبهه نصرت و احرار الشام) با حمله‌ای برق آسا در جنوب غربی حلب، خالدیه، القراسی و خان طومان را تصرف کردند. تلفات نیروهای ایرانی و افغان قابل توجه بود و تبلیغات متعددی از سوی مخالفان در این خصوص صورت گرفت. کوشش نیروهای اسد برای انجام ضدحمله در جبهه‌های دیگر حلب نیز با شکست مواجه شد: در شمال حلب و منطقه حندرات، حمله نیروهای ارتش سوریه و شبه‌نظامیان فلسطینی با مقاومت شورشیان به شکست انجامید. گروه «جبهه شامیه» نیز پیرامون نقاط مختلف حلب، با کاربرد گسترده موشک‌های ضدتانک اهداف متعدد نیروهای اسد را به صورت ایذائی هدف قرار داد تا فشار از روی جبهه‌های اصلی حلب کاسته شود. ضدحمله نیروهای اسد برای آزادی مناطق از دست رفته پیرامون خان طومان هم به سبب ترس از تلفات بیشتر فعلاً متوقف شده است. در جبهه حمص هم جبهه نصرت و احرار الشام با حمله‌ای غافلگیرکننده شهرک الزاره را تصرف کردند و مطابق با گزارشات متعدد تعداد دست کم سی غیرنظامی علوی را اعدام کرده و بیش از ۱۸۰ زن و کودک را ربوده‌اند. براساس

گمانه‌زنی‌های موجود، مخالفان اسد با حمله توپخانه‌ای به فرودگاه دمشق مصطفی بدرالدین، فرمانده نظامی ارشد حزب‌الله و پنج همراهش را به شهادت رساندند. او برادر همسر عماد مغنیه فرمانده نظامی حزب‌الله و پس از شهادت مغنیه در سال ۲۰۰۸ میلادی در دمشق، جانشین او بود. این نیروها حملات خود علیه محله شیخ مقصود در شمال حلب که در کنترل کردها است را هم ادامه دادند.

در این میان داعش هم بیکار ننشسته بود. داعش با حمله ناگهانی مجدد به مسیر اثریا-خناصر برای سومین بار آن را قطع کرد و با به تصویر کشیدن انبوه مهمات غنیمتی از شبه‌نظامیان افغان که برچسب ساخت ایران داشت کارزار تبلیغاتی وسیعی به راه انداخت. در جبهه حمص، داعش میدان گازی شاعر را به طرزی غافلگیرکننده تصرف کرد؛ با تصرف برخی نواحی مجاور فرودگاه نظامی تی ۴، به آن حمله کرد، توانست مسیر امداد رسانی اصلی میان حمص و تدمر را قطع کند و حتی تدمر را در خطر سقوط مجدد قرار دهد. داعش در شمال حلب هم با ضدحمله‌ای غافلگیرکننده، ارتش آزاد را تا مرز اضمحلال کامل پیش برد. علاوه بر بازستاندن شهر مرزی الراعی و روستاهای پیرامون آن، شهر دودیان را تصرف کرد؛ حتی شهر مارع که حلقه واسط جبهه خود و اقلیم عفرین کردها بود را مورد تهدید قرار داد و در اعماق بادیه، منطقه طنف را از چنگ «ارتش جدید سوریه» (شاخه‌ای از ارتش آزاد) بیرون آورد. حملات سنگین داعش در دیرالزور نیز ادامه یافت و اقدامات ایذائی متعددی در حما، دمشق، قلمون و قمیشلی صورت داد. حتی در «دیرفول» در شمال حمص، جبهه نصرت توانست هسته‌ای مخفی از داعش را کشف و نابود کند که در صدد کودتای درونی در میان شورشیان محاصره شده در ریف شمالی حمص بودند. اما حملات برق آسای داعش با شکست‌های خونبار و عقب‌نشینی‌های سریع همراه بوده است: محدوده فرودگاه تی ۴ به سرعت پاکسازی شد؛ ارتش آزاد حملات داعش در شمال حلب را پس زد؛ منطقه طنف دوباره به کنترل «ارتش جدید سوریه» درآمد. در دیرالزور، دمشق، قلمون شرقی (جیرود قرا و جیرود جراجیر) و مسیر اثریا-خناصر هم داعش با تلفات بسیار عقب نشست. وضعیت داعش چنان در باطن بغرنج است که به تعبیر مقامات آمریکایی تنها نیازمند ضربه‌ای برای از هم پاشیدن است. البته فروپاشی داعش همچنان دستخوش ملاحظات است؛ با فشار ترکیه، آمریکا حمایت از عملیات نیروهای کرد سوریه برای پاکسازی غرب فرات (شهرهای منبج و الباب) را متوقف کرده است. تناقضات در سیاست آمریکا در خصوص کردها و ارتش آزاد و نقش ترکیه در



این میان مسئله را بسیار بغرنج ساخته است. ترکیه که خود درگیر جنگ داخلی تمام عیاری در داخل کشور با کردها است آمریکا را از ادامه حمایت از یگان های مدافع خلق کرد- دست کم در غرب فرات- بر حذر داشته است. ترکیه پس از افزایش حملات داعش به شهرهای مرزی خود که به کشته شدن ده ها تن انجامید حملات توپخانه ای و هوایی علیه داعش را شدت بخشید و با اعزام نیروی عملیات ویژه برای هدایت آتش توپخانه و هواپرد، کوشیده است تا به یاری ارتش آزاد سوریه برود. با این حال ارتش آزاد در دست یابی به پیروزی هم علیه داعش و هم علیه کردهای عفرین متزلزل بوده، چنانچه جنگ با داعش به جنگ بی نتیجه در شمال حلب و دست به دست شدن مداوم شهرها بدل شده است. حمله سنگین برای بازپس گرفتن «تل رفعت» با شکستی سخت همراه شد و جنازه انبوه کشته شدگان ارتش آزاد توسط کردها به مثابه ابراز قدرت به نمایش درآمد.

مخالفان اسد با مشکلاتی دیگر هم مواجهند؛ در ریف دمشق درگیری خونین گسترده ای میان جیش الاسلام با گروه های دیگر (جبهه نصرت، فیلق الرحمان و احرار الشام) در گرفت. بیش از سیصدتن از مخالفان در این درگیری داخلی کشته شدند. درگیری سرانجام به حکمیت شرعی واگذار شده و آتش بس میان آنها برقرار شد. ریشه درگیری به اختلافات شدید میان این گروهها بر سر تقسیم اموال اهدایی عربستان سعودی و ترور فرماندهان و اعضاء گروه فیلق الرحمن از سوی تیم امنیتی وابسته به جیش الاسلام مربوط بوده است. ارتش سوریه هم از این درگیری ها استفاده کرده و با حمله ای گسترده منطقه الرکابیه در غوطه شرقی را تصرف کرد و دیرالعصافیر را به زیر آتش مستقیم خود گرفت. شورشیان در غوطه شرقی در وضعیتی بسیار خطرناک قرار دارند؛ سقوط نهایی این منطقه و نابودی دژ اصلی مخالفان در حاشیه پایتخت بسیار جدی است؛ هر آینه حمله نهایی نیروهای اسد به غوطه شرقی انتظار می رود.

نیروهای اسد پس از عملیات گسترده در حلب و سپس برقراری آتش بس شکننده، توان خود را صرف حفظ مناطق باقی مانده کرده اند. کوشش های مورد نظر برای محاصره حلب با شکست مواجه گردید، هر چند در دمشق و قلمون توفیقات به دست آمده قابل توجه بوده است. با این حال بمباران هوایی همچنان ابزار اصلی باقی مانده است؛ بمباران هوایی برای انتقام شکست در حلب صورت گرفت؛ این بمباران در اردوگاه آوارگان «کمون» در شمال سوریه به کشته شدن سی پناهجو منتهی شد. هم سوریه و هم روسیه مسئولیت خود را در این حادثه

انکار کردند و مدعی شدند که جبهه نصرت با حمله راکتی مسبب حادثه بوده است. حتی برخی رسانه ها مدعی شدند این حادثه توسط آمریکا صورت گرفته است. در یک مورد دیگر در شهر حلب، بمباران توسط نیروی هوایی سوریه به کشته شدن ده ها بیمار و تنها پزشک کودکان باقی مانده در شهر منجر شد. البته مخالفان هم در یک مورد با حمله راکتی به بیمارستانی در حلب باعث کشته شدن تعداد زیادی غیرنظامی شدند. در این مدت روسیه بازهم از حضور نظامی خود در سوریه کاسته است. هواپیماهای سوخو-۲۵ روسی، سوریه را ترک کردند؛ گرچه عملیات هلی کوپترهای روسی افزایش یافته و نشانه های روشنی از انتقال توپخانه روسیه به جبهه حلب مشاهده شده است. نیروهای ویژه روس همچنان در خط مقدم حضور دارند و حتی کشته داده اند؛ ضمن اینکه نقش گسترده تری در آموزش نیروهای سوری بر عهده گرفته اند و عملیات هوایی شان در نقاط حساس، موهبتی بزرگ برای جلوگیری از فروپاشی جبهه های ارتش سوریه است.

کردهای سوریه هم ماه پر از درگیری را پشت سر نهادند؛ به جز درگیری با ارتش آزاد در شمال حلب، کردها در قمیشلی با ارتش سوریه درگیر شدند. شائبه انضمام نواحی عرب نشین قمیشلی و حسکه (که تحت کنترل ارتش اسد است) به مناطق تحت کنترل کردها به صورت جدی مطرح شد. با این حال درگیری های مزبور با برقراری آتش بس میان ارتش سوریه و کردها خاتمه یافت. به نظر می آید کردهای سوریه نیرویی هستند که همه به آنها بی اعتمادند؛ اکنون نه فقط داعش، که ارتش آزاد، نیروهای اسد و حتی آمریکا نسبت به اقدامات کردها دچار سوءظن هستند.



دهد ناکام گذاشت. چهار کشور آمریکا، بریتانیا، فرانسه و اوکراین، که عضو شورای امنیت هستند به این قطعنامه پیشنهادی رأی منفی دادند به این دلیل که ادعا کردند جای دادن این دو سازمان در لیست تروریسم به گفتگوهای صلح ژنو آسیب می‌رساند. به ویژه که سازمان جیش الاسلام در این کنفرانس از سوی محمد علوش، رهبر جیش الاسلام، یکی از افراد برجسته هیئت مخالفان سوری در گفتگوهای صلح سوریه نماینده دارد. پیشنهاد روسیه در حالی بود که در ماه فوریه مسکو با مشارکت این دو سازمان در گفتگوهای صلح سوریه در ژنو موافقت کرده بود.

سرگئی لاوروف در مصاحبه با خبرگزاری ریانووستی گفت: «بشار اسد متحد ما نیست. ما در جنگ علیه تروریسم و برای حفظ یکپارچگی سوریه از او حمایت می‌کنیم، ولی او به حدی که ترکیه متحد نزدیک آمریکا است، متحد روسیه قلمداد نمی‌شود».

### موقعیت ایران

ایران کلیدی‌ترین بازیگر خارجی در جنگ داخلی سوریه است؛ بدون شک، در بعد نظامی و اقتصادی، بدون کمک‌های ایران، نظام اسد تا کنون ساقط شده بود. ابعاد دقیق و کمی حضور اقتصادی و نظامی ایران در سوریه مشخص نیست اما این اندازه پررنگ بوده که به حفظ نظام اسد یاری برساند. با اعانه‌های مالی ایران، لیره سوریه از سقوط بیشتر ارزش خود بازمانده است؛ مایحتاج اولیه و سوخت مورد نیاز برای مناطق تحت کنترل دولت توسط ایران تأمین می‌شود؛

آنها آماده خواهند بود تا در سه محور وارد عمل شوند و کار داعش را تمام کنند: رقه، منبج و دیرالزور؛ هر چند که بدون موافقت آمریکا احتمال پیروزی در این سه محور اندک خواهد بود. با این وجود آمریکا تعداد بیشتری از مریدان نظامی خود را برای آموزش کردها روانه سوریه کرده است.

### تحولات سیاسی

به موازات تحولات نظامی، تحولات سیاسی در سوریه هم رخ می‌دهد. اظهارات وزیر خارجه روسیه در خصوص رابطه با سوریه یکی از حساس‌ترین موضوعات سیاسی مرتبط با سوریه بود. سرگئی لاوروف در مصاحبه با خبرگزاری ریانووستی گفت: «بشار اسد متحد ما نیست. ما در جنگ علیه تروریسم و برای حفظ یکپارچگی سوریه از او حمایت می‌کنیم، ولی او به حدی که ترکیه متحد نزدیک آمریکاست، متحد روسیه قلمداد نمی‌شود». این اظهارات مواضع متناقض روسیه را برملا کرد. آمریکا هم به پیگیری مواضع متناقضش که گویا ادامه جنگ در سوریه تنها هدف مطلوب واشنگتن است ادامه داد. جان کری، وزیر امور خارجه آمریکا، در همین پیوند به صراحت طرح مسکو برای دستیابی به آتش بس در سوریه را «معادله‌ای قابل اجرا» نامید. کری، بر نقش سازنده روسیه در شکل‌گیری آتش بس، کاسته شدن از تلفات غیرنظامی و کمک‌رسانی به مناطق تحت محاصره تأکید کرد که هیچ گزینه‌ای به جز همین آتش بس پر از نقص وجود ندارد. در این میان آمریکا کوشش روسیه در شورای امنیت برای اینکه نام جیش الاسلام و احرار شام، دو سازمان از مخالفان اسد را در لیست تروریسم قرار



ایران (به سبب نابودی اغلب کارخانه‌های مهمات‌سازی سوریه، نبود امکان بازسازی آنها و مصرف شدن عمده مخازن مهمات) تبدیل به اصلی‌ترین تأمین‌کننده اسلحه و مهمات نیروهای اسد شده است؛ پروازهای روزانه انتقال تدارکات و کمک از ایران به سوریه برقرار است؛ نیروهای مسلح ایرانی همراه با شبه‌نظامیان شیعه افغانی، پاکستانی، عراقی، فلسطینی و حزب الله لبنان در میدان نبرد حضوری گسترده دارند؛ در بسیاری جبهه‌ها به خصوص حلب، ارتش سوریه عملاً نقشی حاشیه‌ای دارد و هواپیماهای ترابری نظامی ایران، نقش مهمی در رساندن تدارکات و کمک به مناطق تحت محاصره مانند فوعه و کفریا یا دیرالزور بر عهده گرفته است. ایران باقی ماندن اسد بر سر قدرت تا پایان دوره ریاست جمهوری یعنی سال ۲۰۲۱ را خط قرمز خود اعلام کرده است. این هدف صرفاً از طریق تداوم شیوه کنونی یعنی جنگ فرسایشی، تحمل تلفات فزاینده نیروها و ادامه پرداخت هزینه‌های اقتصادی جنگ در سوریه ممکن است دست‌یافتنی باشد. ایالات متحده هم از این ادامه جنگ در سوریه خوشنود است: توان ایران در سوریه صرف می‌شود؛ چیزی شبیه به مدل مشغول بودن ایران در جنگ هشت ساله با عراق؛ هرگاه که احتمال پیروزی ایران و اسد در سوریه قوت بگیرد، آمریکا با ارسال سلاح‌های بیشتر و پیشرفته‌تر مانع پیروزی آنها خواهد شد و به شورشیان هم جان دوباره‌ای می‌دهد. علی‌رغم فشارهای ترکیه و عربستان برای کمک بیشتر به شورشیان، آمریکا بسیار کند عمل می‌کند و آشکارا تمایل ندارد جنگ در سوریه خاتمه یابد؛ دست کم تا زمانی که اوپاما بر سر کار است این جنگ ادامه خواهد داشت. ایران هنوز تا وارد شدن تمام عیار به جنگ سوریه فاصله دارد و هنوز از نیروی انسانی عمده خود استفاده نکرده است.

### نتیجه‌گیری

جنگ داخلی سوریه در نبود هیچ راه حل سیاسی و عدم دستیابی هیچ یک از طرفین به پیروزی قاطع نظامی، هیچ آینده‌ای جز ادامه منازعه نخواهد داشت. اسد خروج از قدرت را نخواهد پذیرفت و مخالفان اسد هم به خواسته‌ای جز کناره‌گیری اسد رضایت نخواهند داد زیرا هدف آنان از ابتدا یک چیز بوده و آن هم خاتمه حکومت اسد بر سوریه است. متضرر اصلی ادامه جنگ در سوریه مردم این کشور خواهند بود که باید ویرانی و کشتار و آوارگی را همچنان تحمل کنند. اقدامات بین‌المللی برای خاتمه جنگ سوریه همچنان محدود

و اغلب نمایشی باقی خواهد ماند: ترغیب به آتش‌بس و مذاکره و وقوع گفتگوهایی که هیچ ثمره مشخصی نداشته‌اند. اگرچه باید گفت همچنان بزرگترین دستاورد به دست آمده در خصوص سوریه، آتش‌بسی است که با توافق آمریکا و روسیه حاصل شده است. با این آتش‌بس، در منطقه درعا آرامش کاملی حاکم شد اما در سایر نقاط به سبب حضور داعش، جبهه نصرت و برخی زیرشاخه‌های ارتش آزاد که متحد آن هستند، جنگ و خونریزی ادامه یافته است. کوشش‌ها برای متحد کردن هرچه بیشتر مخالفان اسد و تسلیح بیشتر آنها ادامه خواهد یافت؛ اگرچه ایران هم همچنان به حمایت خود از اسد ادامه می‌دهد و احتمال پیروزی سریع و قاطع مخالفان را کم می‌کند. اسد و مخالفانش، هر یک پیروزی‌هایی به دست می‌آورند اما این پیروزی‌ها به بهای شکست در جبهه‌های دیگر و تلفات انسانی فزاینده خواهد بود در حالی که افقی هم برای پیروزی قطعی وجود نخواهد داشت. به عبارتی دیگر، بیشتر از پنج سال است که مخالفان اسد قادر به سرنگونی او نشده‌اند اما اسد هم از سرکوب آنها ناتوان بوده است.

